

بحران کرونا نظام تجارت جهانی را زیر سؤال نمی‌برد

پروفسور پنه‌لوپه گلدبرگ، اقتصاددان ارشد سابق بانک جهانی و استاد کنونی دانشگاه ییل، طی یادداشتی در پایگاه تحلیلی پراجکت سیندیکت تأکید کرد که ضعف‌های زنجیره‌های تأمین جهانی در جریان بحران کووید-19 دلیل مناسبی برای حمله به تجارت بین‌المللی و جهانی شدن کسب‌وکارها نیست.

بحران کووید-19 به طرفداران سیاست‌های تجاری حمایت‌گرایانه و مخالفان جهانی شدن، جسارت بیشتری برای مطرح کردن اظهارات خود بخشیده است. هواداران حمایت‌گرایی در آمریکا پیش از وقوع بحران اخیر، دلایلی همچون مقابله با از بین رفتن شغل‌ها در بخش تولید، جلوگیری از افزایش نابرابری و یا بعضاً نیاز به تنبیه یا ترساندن چین را برای توجیه عقاید خود مطرح می‌کردند و اکنون مشکلات زنجیره تأمین جهانی نیز به دلایل آنها افزوده شده است. این گروه از افراد می‌گویند توزیع فعالیت‌های تولیدی شرکت‌ها در یک پهنه جغرافیایی گسترده (متشکل از چندین کشور) باعث کاهش خودکفایی کشورها شده و تاب‌آوری اقتصاد آنها را تضعیف می‌کند. از نظر آنها، چاره کار این است که کسب و کارها بیشتر فعالیت‌های خود را در داخل کشور متمرکز کنند و به طور کلی وابستگی خود به تجارت خارجی را کاهش دهند. البته این استدلال‌ها و مشخصاً مسئله «تاب‌آوری اقتصاد» استدلال‌های جدیدی نیستند. نگرانی از «امنیت غذایی» مدت‌هاست که به عنوان توجیهی برای مداخله‌های حمایت‌گرایانه در بخش کشاورزی مطرح می‌شود. این ادعا که زنجیره‌های تأمین مواد غذایی به دلیل اینکه بیشتر داخلی هستند امنیت بیشتری در مقایسه با زنجیره‌های تأمین دیگر (مثلاً پوشاک یا اقلام پزشکی) دارند، در ماه‌های اخیر بیش از گذشته مطرح شده و منطقی به نظر رسیده است. اما اگر نگاه دقیق‌تری به قضیه داشته باشیم، متوجه می‌شویم که واقعیت تا حد زیادی متفاوت از این ادعاهاست؛ به ویژه اگر نگاهمان به تاب‌آوری اقتصاد گسترده‌تر و دوراندیشانه‌تر باشد.

منتقدان تجارت خارجی می‌گویند بحران کووید-19 آسیب‌پذیری زنجیره‌های تأمین جهانی را در برابر محدودیت‌های صادرات و شوک‌های خارجی آشکار کرد. بسیاری از کشورها از جمله اعضای اتحادیه اروپا، در ابتدا محدودیت‌هایی را بر صادرات تجهیزات بهداشتی و مراقبت شخصی از جمله ماسک وضع کردند و وضع چنین محدودیت‌هایی بدین معنا بود که کشورهای واردکننده این تجهیزات، درست در زمانی که نیاز شدیدی به آنها داشتند، نمی‌توانستند این اقلام را وارد کنند.

اینکه دولت‌ها در موارد اضطراری بخواهند شهروندان خود را در اولویت قرار دهند، مسئله عجیبی نیست. حتی سازمان تجارت جهانی که در حالت عادی اعمال محدودیت بر صادرات را غیرقانونی می‌داند، اجازه استثناء قائل شدن برای صادرات برخی محصولات خاص را به کشورهای عضو می‌دهد. اما محدودیت‌هایی که اخیراً بر صادرات وضع شد، در اغلب کشورها کوتاه مدت بود و اثرات منفی آنها بر تجارت اقلام بهداشتی و مراقبت شخصی بیش از اثرات مثبتشان بود.

چین که توانسته است زودتر از سایر کشورها خود را از بحران کرونا برهاند، بلافاصله تولید اقلام ضروری و صادرات این اقلام به کشورهایی که به شدت به آن نیاز دارند را آغاز کرده است، به طوری که شدت کمبودهای جهانی در حوزه اقلام بهداشتی و مراقبت شخصی به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. نشریه آمریکایی نیویورک تایمز اخیراً گزارش داد که تولید ماسک در چین نسبت به دوران قبل از بحران، 12 برابر شده است.

ایراد دیگری که هواداران حمایت‌گرایی به نظام تجارت جهانی وارد می‌کنند، به یکی از ویژگی‌های مهم تجارت نوین مربوط می‌شود؛ تخصصی شدن بیش از حد تولید و زنجیره‌های توزیع که دامنه آنها به چندین کشور کشیده شده است. تخصصی سازی این امکان را به زنجیره‌های تأمین جهانی می‌دهد که هزینه‌ها را حداقل و کارایی را حداکثر کنند. اما در عین حال تخصصی سازی باعث بروز پیچیدگی‌هایی در مواقعی که نیاز به افزایش فوری سطح تولید وجود دارد، می‌شود. کمبود دستگاه‌های تنفس مصنوعی در برخی کشورها، این مسئله بیشتر در کانون توجه قرار داد.

برای تولید یک دستگاه ونتیلاتور (دستگاه تنفس مصنوعی) که این روزها در فرآیند درمان بیماران مبتلا به کووید-19 نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد، به 300 قطعه مختلف نیاز است که تولید این قطعات در چندین کشور انجام می‌شود. از این روز تولید دستگاه‌های بیشتر مستلزم همکاری نزدیک بین کشورهای زیادی است؛ آن هم درست در زمانی که غریزه‌های بنیادی به افراد می‌گویند که برای دستیابی به قطعات کمیاب با یکدیگر رقابت کنند. حتی اگر کشوری بتواند تک تک قطعات مورد نیاز برای تولید دستگاه‌های تنفس مصنوعی را تهیه کند، باز هم برای تولید این دستگاه‌ها به سطح بالایی از دانش فنی نیاز دارد. بسیاری از کشورها قبلاً این قابلیت را برون سپاری کرده‌اند.

با این حال، طرفداران جهانی شدن معتقدند که وجود این چالش‌ها خود نشان می‌دهد که امروز هماهنگی و همکاری جهانی بیش از هر زمان دیگری ارزش دارد. آنها بر این باورند که برخورداری از چندین منبع در کشورهای مختلف، تاب‌آوری اقتصاد کشورها را افزایش می‌دهد. مخالفان جهانی شدن می‌گویند قدرت زنجیره تأمین جهانی به اندازه ضعیف‌ترین حلقه این زنجیره است. اما زنجیره تأمین جهانی در واقع بسیار قوی‌تر از این است زیرا می‌تواند یک حلقه شکسته یعنی منبعی که در یک کشور بحران زده قرار دارد را با یک منبع مشابه در سایر کشورها جایگزین کند.

منتقدان تجارت بین‌المللی ممکن است استدلال‌های متفاوتی را مطرح کنند و مدعی شوند که اگر مثلاً زنجیره تأمین دستگاه‌های تنفس مصنوعی به طور کلی به داخل کشور منتقل می‌شد، همه چالش‌های مرتبط با هماهنگی در زنجیره تأمین جهانی به کلی از بین می‌رفت. اما اخیراً بحران کووید-19 به کارخانه‌های بسته‌بندی گوشت در آمریکا نیز رسیده و یکی از حیاتی‌ترین منابع غذایی این کشور را دچار اختلال کرده است. تنها چیزی که باعث شده است بسیاری از کارخانه‌ها در این شرایط به فعالیت خود ادامه دهند، تهدیدهای جدی دولت فدرال ذیل قانون تولید دفاعی است.

واقعیت این است که زنجیره‌های تأمین داخلی تنها تحت سناریوهای به شدت غیرمحتمل یعنی در مواردی که همه کشورها هم‌زمان دچار یک شوک منفی می‌شوند، بر زنجیره‌های تأمین جهانی برتری دارند. اگر کشور شما تنها کشوری باشد که از یک بحران جهانی در امان مانده باشد، آن‌گاه قطعاً استقرار فعالیت‌های تولیدی در داخل کشور به نفع شما خواهد بود.

در زمان بروز یک پاندمی (همه‌گیری) همه کشورها آسیب می‌بینند، اما نقطه اوج شیوع بیماری در هر کشوری ممکن است در زمان متفاوتی اتفاق بیفتد. مثلاً شاید زمانی که آمریکا با بدترین مرحله از بحران دست و پنجه نرم می‌کند، دیگر کشورها این مرحله را پشت سر گذاشته و آمادگی داشته باشند که به عنوان یک منبع تجارت عمل کنند و تاب‌آوری اقتصاد دیگر کشورها را در برابر بحران افزایش دهند.

اینکه ما چگونه ریسک را مدیریت و تاب‌آوری را تقویت می‌کنیم، مسئله‌ای فراتر از داخلی یا جهانی بودن تولید است. متنوع سازی & جغرافیایی یا سایر معیارها- یک اصل مهم در مدیریت ریسک است. شرکت‌ها می‌توانند با دایر کردن کارخانه‌های تولیدی خود در نقاط مختلف، ریسک سیستمی اختلال تولید & مثلاً در مواقعی که یکی از نقاط به دلیل وقوع بلایای طبیعی یا بروز ناآرامی‌های سیاسی از دسترس خارج می‌شود- را به حداقل برسانند. توزیع فعالیت‌های تولیدی در نقاط مختلف جهان، نه تنها کارایی را افزایش می‌دهد بلکه راهکار مناسبی برای مدیریت ریسک است.

البته در خصوص مسئله تاب‌آوری، دیدگاه منتقدان جهانی شدن را درباره تأثیرات جهانی شدن تولید بر کارایی و سودآوری کسب و کارها در کوتاه مدت درست است. جهانی شدن کسب و کار باعث شده است که شرکت‌ها و زنجیره‌های تأمین بیش از حد به اصول «تولید ناب» وابسته باشند و در نتیجه نتوانند در برابر بحران‌های مهمی مانند کووید-19 ایستادگی کنند. سطح مشخصی از تولید اضافه (یا ناکارآمدی در کوتاه مدت) شاید در آینده به معنای واقعی کلمه نجات بخش باشد.

حفظ مازاد تولید در سطحی مشخص &ndash؛ مثلاً ذخیره کردن تعداد مشخصی از تخت های بیمارستانی و یا عملیاتی کردن یک کارخانه برای تولید ماسک مازاد بر نیاز بازار- می توانست در بحران کنونی نقشی حیاتی داشته باشد. ما باید در آینده به فکر راههایی برای ایجاد این ظرفیت های اضافه باشیم و کارآیی پویا را به جای کارآیی ایستا مبنای تفکر خود قرار دهیم. بحران کووید-19 درس های مهمی به ما می دهد؛ اما این بحران هیچ استدلال مناسبی را علیه زنجیره های تأمین جهانی برای منتقدان جهانی شدن فراهم نمی کند.